

بازتاب اندیشه غلو درباره امام حسین (ع) و خانواده او در شعر آیینی معاصر فارسی

میشم اکبرزاده

استادیار گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

m_akbarzadeh@pnu.ac.ir

ابراهیم واشقانی فراهانی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

vasheghani1353@pnu.ac.ir

امیرحسین حاتمی

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران

hatami@hum.ikiu.ac.ir

چکیده

غلو و غالی‌گری به مثابه یکی از جریان‌های تاریخ تفکر شیعه، تأثیرات مهمی از خود برجای گذاشته است. غلو البته در همه ادیان توحیدی و همه مذاهب اسلامی وجود داشته و غالبان هرچند در قالب فرق مختلف و با نام‌های متعدد شناخته می‌شوند اما همه معمولاً در هسته اصلی اعتقاداتشان اشتراک دارند. آنان با نسبت دادن صفات و اسماء الهی به پیشوایان دینی شان گاه حتی آنان را به مقام الوهیت رسانده و وظیفه خلق و رزق و اختیار کائنات را بر دوش آنان نهاده‌اند. اندیشه غلو در سده‌های دوم و سوم هجری به اوج رشد و توسعه خود دست یافت و پس از آن بدون آنکه از میان برود کم و بیش به حاشیه رفت، اما از سده سیزدهم هجری همزمان با ظهور شیخیه مجدداً زمینه‌هایی فراهم شد که این اندیشه بازتولید و در عرصه عمومی نمود یابد. با این وصف مقاله پیش رو با تأکید بر غلو در شخصیت حسین بن علی (ع) و خاندانش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که غلو در تاریخ معاصر بویژه در چند دهه اخیر، چگونه بازتولید شد و عمدتاً در چه عرصه‌ای نمود یافته است. بر مبنای یافته‌های پژوهش در چند دهه اخیر اندیشه‌های غالیانه ضمن آنکه رو به گسترش نهاده، به دلیل اینکه از منظری رسمی امکان ترویج ندارد، عمدتاً رنگ و ماهیتی عامیانه به خود گرفته و در هیأت‌ها و مجالس مذهبی در قالب اشعار آیینی و مداحی‌ها نمود یافته است.

واژه‌های کلیدی: غلو، شعر آیینی، خداپنداری (الوهیت)، تفویض، امام حسین (ع)

به رغم آنکه قرآن بارها و بارها تأکید و تصریح کرده که خداوند جهان هستی را به تنهایی آفرید و هیچ شریک و یابوری نداشته و اوست که تمام موجودات را روزی می‌دهد بدون هیچ کمک و مددی و او تنها کسی است که بر غیب آگاه است و اینکه پیامبران انسان‌های عادی هستند مثل دیگر مردم و تنها وظیفه آنان دریافت وحی الهی و ابلاغ آن به مردم است، پس از رحلت پیامبر اندیشه‌هایی در میان برخی از مسلمانان پدید آمد که پیامبر و پس از او امامان شیعه را موجوداتی فرابشری قلمداد می‌کرد که حتی در شکل افراطی آنان را به مقام خدایی نیز می‌رساندند. این اندیشه که در میان شیعیان بیش از دیگر فرق اسلامی ریشه دواند، معمولاً قائل به تناسخ و حلول و ظهور بودند. گسترش این اندیشه به حدی بود که می‌توان گفت به جز شیعیان امامیه، اسماعیلی و زیدی، دیگر فرق شیعه را باید در گروه فرقه‌های غالی دسته‌بندی کرد. هرچند اندیشه غلو به طور مکرر با لعن و بیزاری امامان شیعه مواجه شد، اما در سده‌های دوم و سوم در شکل وسیعی به اندیشه غالب میان برخی از شیعیان بدل گشت. پس از این دو سده بدون آنکه از میان برود، کم و بیش به حاشیه رفت و یا دست کم کمتر در عرصه عمومی جلوه می‌یافت، اما از سده سیزدهم هجری همزمان با ظهور شیخیه مجدداً زمینه‌هایی فراهم شد که این اندیشه بازتولید و در عرصه عمومی نمود یابد.

۱-۱- بیان مسئله

بر مبنای آنچه گفته شد مقاله پیش رو با تأکید بر غلو در شخصیت امام حسین (ع) و خاندانش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که غلو در تاریخ معاصر بویژه در چند دهه اخیر، چگونه بازتولید شد و عمدتاً در چه عرصه‌ای نمود یافته است. بر مبنای یافته‌های پژوهش در چند دهه اخیر اندیشه‌های غالبانه ضمن آنکه رو به گسترش نهاده، به دلیل اینکه از منظری رسمی امکان ترویج ندارد، عمدتاً رنگ و ماهیتی عامیانه به خود گرفته و در هیأت‌ها و مجالس مذهبی در قالب اشعار آیینی، مرثی‌ها و مداحی‌ها نمود یافته است.

همچنین از جهت اینکه این غالی‌گری نوین بیشتر وجهی عامیانه به خود گرفته، از این رو داده‌های مرتبط با این نوع از غالی‌گری کمتر مکتوب و ثبت و ضبط شده است. در عوض این داده‌ها یا به صورت شفاهی در هیأت‌های مذهبی، تکایا و جلسات مداحی قابل دسترسی است یا در صفحات مجازی در فضای وب و شبکه‌های اجتماعی. بنابراین در اغلب موارد امکان استناد این اشعار به دیوان‌های چاپ شده وجود نداشت. به همین دلیل در مقاله پیش رو بخش قابل توجهی از داده‌های مورد نیاز از صفحات وب استخراج شده و به همان صفحات نیز استناد شده است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در مورد جریان غلو و غالی‌گری در تشیع معاصر، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که هر کدام از جنبه‌ای متفاوت این جریان را بررسی نموده است. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

رسول جعفریان (۱۳۹۸) در مقاله «بازگشت غلو به تفکر شیعی در قرن سیزدهم به ضمیمه دو رساله از دو عالم قره باغی و مغانی» به بررسی احیای غلو در میان شیعیان در عصر قاجاریه می‌پردازد و علل و انگیزه‌ها و طرق آن را تبیین می‌کند.

- مهدی صادقی (۱۴۰۳) در مقاله «واکاوی آسیب‌ها و محدودیت‌های اشعار عاشورایی حسینی در بستر جامعه و ادبیات» با دید آسیب‌شناسانه به مسئله غلو در شعر عاشورایی معاصر می‌پردازد.

- سیدمحمد صادقیان (۱۴۰۱) در مقاله «خطرات تهدیدکننده اولین ضرورت از ضروریات پنجگانه مقاصد شریعت، حفظ دین؛ با دید آسیب‌شناسانه به مسئله غلو می‌پردازد و بر شناخت غلو و راهکارهای درمان آن در سطوح مختلف اجتماعی تأکید می‌ورزد.

- رضا شجری و الهام عربشاهی (۱۴۰۱) در مقاله «رد پای غلو در شعر آیینی شاعران فارسی‌سرا» شعر آیینی معاصر فارسی را از دیدگاه غلو بررسی می‌کند و انواع غلو را در این اشعار می‌کاود.

- سیدمحمد موسوی (۱۴۰۳) در مقاله «آسیب‌شناسی غلوپژوهی در اندیشه سلفی‌گری ایرانی»، غلوهای منبعث از سلفی‌گری را در ایران بررسی می‌کند و شیوه‌ها و نتایج آن را تبیین می‌نماید.

این پژوهش‌ها هر کدام به جنبه‌ای از بحث غلو در تشیع معاصر پرداخته‌اند، اما هیچ یک از این آثار، تمرکزی بر موضوع غلو در شعر آیینی معاصر با موضوع شخصیت امام حسین (ع) و خانواده او نداشته‌اند.

۲- بحث

۲-۱- غلو: معنا، مفهوم و باورها

«غلو» به طور کلی از نظر لغوی به معنای افراط، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیزی است. ابوحاتم رازی در این زمینه توضیح می‌دهد «غلو» در اصل به معنای بالا رفتن است و به کسی که سخن را از حد بگذراند و از مرز آن تجاوز کند، گفته می‌شود او در سخن خود غلو کرده است. «غلاء سعر» به معنای بالا رفتن قیمت و «غلاء قامت انسان» به معنای بلندی آن است (ابوحاتم رازی، ۱۳۹۶: ۱۴۵) بنابراین کلمه غلو در جایی به کار می‌رود که تجاوز از حد زیاد باشد. برای نمونه درباره مایعات هرگاه به جوش آیند و در حد خود ننگنجد، گفته می‌شود غلیان کرده است. (صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۲۵)

بر همین اساس هرگاه این واژه در مورد باورهای مذهبی و دینی استفاده شود، به این معناست که انسان چیزی را که بدان باور دارد، از حد خود بسیار فراتر برده است. «غلا در دین» دقیقاً به همین معناست. به نوشته ابن منظور «و غلا فی الدین ... تجاوز حدّه. و قال بعضهم غلوت فی الأمر غلواً و غلانیةً و غلانیاً إذا تجاوزت فیه الحد و أفرطت فی» (ابن منظور،

۱۹۸۸، ج ۱۰: ۱۱۳-۱۱۲) در قرآن نیز آمده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ ... وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ؛ ای اهل کتاب، در دین خود اندازه نگه دارید، و درباره خدا جز به راستی سخن نگوئید؛ در حق مسیح عیسی بن مریم جز این نشاید گفت که او رسول خداست ... و به تثلیث قائل نشوید (اب و ابن و روح القدس را خدا نخوانید)، از این گفتار شرک باز ایستید که برای شما بهتر است، جز خدای یکتا خدایی نیست و منزه و برتر از آن است که او را فرزندی باشد (نساء: ۱۷۱). در این آیه خداوند اهل کتاب را مورد خطاب قرار داده است؛ زیرا سخن گزافه‌ای بر زبان آورند و گفتند خداوند سومی سه تاست. (ابوحاتم رازی، ۱۳۹۶: ۱۴۵)

با این وصف به نظر ابوحاتم رازی اگر کسی از حد بگذرد و مثلاً بگوید: امام، پیامبر یا پیامبر، خداست، در دین غلو کرده است. (همان: ۱۴۵) غالی بدین نام خواند می‌شود زیرا از اندازه متعارف تجاوز می‌کند مثلاً درباره پیامبر می‌گوید او خداست؛ چنانکه مسیحیان به ربوبیت عیسی معتقداند (همان: ۱۴۷)

رازی همچنین در توضیح قول خدا در آیه «لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ» می‌نویسد فعل «لَا تَغْلُوا» از باب «غلا، يغلو، غلوا» است و غلو همان فرو رفتن در دین و زیاده‌روی در آن است به گونه‌ای که موجب خروج از دین و اعتقاد به آنچه در دین نیست شود. (همان: ۱۴۸) رازی نتیجه می‌گیرد که غلو «به دلالت قرآن، حدیث و زبان عرب، همان تجاوز از حد و اندازه است» و به همین دلیل هر کس به پیامبری فردی که پیامبر نیست، معتقد شود یا بشری را خدا و غیر امام را امام بداند، سزاوار نام «غالی» است. (همان)

رازی همچنین بر این باور است که غالیان در هر یک از شریعت‌های یهود، مسیحیت، مجوس و اسلام وجود دارند و به دسته‌های بسیاری تقسیم می‌شوند، اما «در میان اهل ذمه، نصارا و در میان مسلمانان، شیعیان بیشترین غالی را داشته‌اند و برای همین شیعیان را به خاطر دیدگاه غلوآمیزی که درباره امیر مؤمنان علی (ع) و امامان پس از وی دارند، به نصارا تشبیه می‌کنند» (همان: ۱۴۸)

نخستین نشانه‌های بروز اندیشه غالی‌گری از همان روز رحلت پیامبر قابل مشاهده است. زمانی که خبر درگذشت او منتشر شد، عمر بن خطاب اظهار کرد که وی وفات نفرموده و تنها از نظرها غائب شده است تا بعداً مراجعت کند و «دست و پای کسانی را که پنداشته‌اند پیامبر خدا مرده، قطع می‌کند» (طبری، ۱۳۶۳: ۱۳۲۷/۴) ادعایی مشابه پس از شهادت علی (ع) شنیده شد که گروهی مدعی شدند او همچنان زنده است و نخواهد مرد (ابن‌ابی‌الدنیا، ۱۴۰۸: ۱۱۷-۱۱۶) همین ادعا بار درگیر در سال ۸۱ هجری زمان درگذشت محمد بن حنفیه تکرار شد و نمرده و روزی باز خواهد گشت. این اعتقاد در میان اکثریت مسلمانان با نام «غلو» شناخت شد. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶۰)

به این ترتیب این اندیشه در تشیع ریشه دواند و به سرعت گسترش یافت. فرق غالی در تشیع افراط نموده و درباره ائمه خود گزافه‌گویی کرده و آنان را به خدایی رسانیده و یا قائل به حلول و جوهر نورانی الهی در ائمه و پیشوایان خود

شدند، و یا به تناسخ قائل گشتند. به باور مشکور اصول عقاید مبتدعه غلات شیعه چهار اصل است: تشبیه، بداء، رجعت و تناسخ. پیروان این عقاید در هر سرزمینی نامی بر خود نهاده‌اند، در اصفهان خرمیه و کوزکیه، در ری مزدکیه و سنبادیه، و در آذربایجان ذاقولیه، و در بعضی نقاط دیگر محمّره یا سرخ جامگان و در ماوراءالنهر مبیّضه یا سپیدجامگان. (مشکور، ۱۳۵۳: ۱۸۲)

برخی از شیعیان غالی حتی معتقد بودند که قرآن تحریف شده و قرآن موجود را که خلیفه سوم گردآورده بود قبول نداشتند. آنان بر این بودند که خلیفه سوم عمداً آیاتی از قرآن را که درباره ولایت علی بن ابی طالب بوده را حذف نموده است. برای نمونه معتقدند سوره نور که اکنون ۶۴ آیه دارد سابقاً بیش از ۱۰۰ آیه داشته است. به باور آنان قرآن کامل و مورد اعتماد را که علی به خط خود نوشته بود، پیامبر به دخترش فاطمه بخشید و حجم آن سه برابر قرآن فعلی بوده است. (همان: ۱۸۶-۱۸۴)

به طور کلی غلات معتقد به ظهور و اتحاد و حلول و تناسخ اند. نوبختی در این زمینه تصریح دارد که بیشتر فرق غالی «قائل به تناسخ باشند و گویند امامان یک تن واحد بیش نیستند و همان یک کس که از تنی به تن دیگر جای به جای می‌شود [و در هر پیکری به نامی خوانده می‌شود]». (نوبختی، ۱۳۵۳: ۱۲۳) اشعری قمی هم می‌نویسد تقریباً همه غلات به تناسخ - البته با مراتب متفاوتی - معتقد هستند (اشعری قمی، ۱۳۷۱: ۱۱۱ و ۱۲۶) آنان درباره ظهور بر این باورند که ذات خداوند در بدن جسمانی پیامبر و یا امامی ظاهر می‌شود و آن شخص مظهر ذات الهی است. درباره اتحاد معتقدند روح خداوند در بدن پیغمبران و امامان داخل می‌شود و حلول می‌کند. مانند مسیحیان که قائل به حلول لاهوت در ناسوت شدند. درباره تناسخ به این قائل‌اند که ممکن است روح خدایی در وجود پیامبر حلول کرده پس از وی به قلب ائمه و از آنها به جسد کسان دیگری درآید و همه آنان یکی پس از دیگری به مرتبه خدایی برسند. غالبان بر مبنای این چهار اصل است که می‌گویند ممکن است از پیامبر و امامان کارهایی شگفت و خارق العاده سرزنند. زیرا وی با بدن جسمانی خود این معجزات و افعال شگرف را انجام نمی‌دهد بلکه روح خدایی اوست که وی را به انجام دادن چنین اعمال خارق العاده‌ای قادر می‌سازد. (مشکور، ۱۳۵۳: ۱۸۷-۱۸۶) برای نمونه علی‌اللهیان از غلات بر این باورند که خدا در علی حلول کرده و با جسم وی متحد شده بود، از این جهت خوارق عادات از وی سر می‌زد. غلات علت عصمت پیامبر و امامان را نیز همین حلول روح خدا در آنها می‌دانند. (همان: ۱۸۷) همین معتقدات در اندیشه کسانی رسوخ کرده که امروزه به «حسین‌اللهی» مشهورند. نمونه اشعاری که در ادامه خواهد آمد مؤید این امر است.

همین معنا را شهرستانی در ملل و نحل خود ذکر کرده است که غالیه «طائفه‌اند که در حق ائمه خود به حدی غلو کردند که آنها را از دایره مخلوقیت بیرون برده به سرا پرده «الهیّت» رسانیدند. گاهی ائمه را از نهایت گمراهی خود تشبیه به ذات مقدس الهی کردند» (شهرستانی، ۱۳۶۱: ۱۲۳۱)

۲-۲- غلو از نظر ائمه شیعه (ع)

همانگونه که از توضیح درباره آراء و باورهای غالیان و فعالیت غلات مشخص است، بسط و گسترش این گونه آراء، تأثیرات مخربی بر تشیع راستین و منزّه از باورهای غالیان داشته است. این تأثیرات را می‌توان از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد. تأثیر غلات بر تخریب وجهه ائمه، تأثیر آنان بر تخریب وجهه اصحاب ائمه، آلوده کردن قیام‌ها و شورش‌های علویان، هدر دادن نیروهای شیعه، فراهم شدن زمینه برای وارد کردن انواع اتهامات به تشیع و شیعیان از سوی مخالفین و ورود احداث و روایات بی‌منا و خرافاتی به میراث حدیثی شیعه، از مهمترین این تأثیرات در طول تاریخ تشیع است (برای بحث بیشتر بنگرید به صفری فروشانی، ۱۳۸۷: ۳۰۹ به بعد). به همین دلیل امامان شیعه و هواداران آنها ناچار بودند مرتباً به صورت رسمی آنان را لعن و تکفیر کرده و از آنان تبرئ نمایند تا اعتبار جامعه شیعه به خاطر کفرگویی‌های آنان آسیب نبیند. برای نمونه روایتی از علی (ع) است که «یهلک فی اثنان: محبّ غال و مفرط قال/ دو گروه [به خاطر گفته‌هایشان] درباره من هلاک خواهند شد: دوستدار تندرو و گزافه‌گو و دشمن حدناشناس و بیهوده‌گو» (ابوحاتم رازی، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

همچنین از امام صادق روایت شده «سمعی و بصری و بشری و لحمی و دمی من هولاء براء بریء الله و رسوله. ما هولاء علی دینی و دین آبائی / گوش و چشم و موی و پوست و گوشت و خون من از اینان (غلات) بیزار است. خدا و پیغمبرش نیز از ایشان بیزارند. غلات بر دین من و دین پدران من نیستند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۲۹۸-۲۹۷؛ کمره‌ای، بی‌تا: ۷۷)

از امام رضا نیز روایت شده که «الغلاه کفار و المفوضه مشرکون، من جالسهم او خالطهم، او آکلهم او شاربهم او واصلهم او زوجهم ... خرج من ولایت الله عزوجل و ولایتنا اهل البیت / غلات کافرند و مفوضه مشرکند. هرکه با آنان بنشیند و بیامیزد و بخورد و بیاشامد و بیبوندد و ازدواج کند ... از ولایت خدا و ولایت ما اهل بیت بیرون است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵ / ۳۲۷؛ کمره‌ای، بی‌تا: ۱۴۳)

همانگونه که مشاهده می‌شود امامان شیعه با بیشترین تأکید بیزاری خود را از باورها و اندیشه‌های غالی‌گرایانه نشان داده و بیان کرده‌اند.

۲-۳- اندیشه غلو و شعر آیینی معاصر

اندیشه‌های غالیانه پس از دوره اوج رشد و ترویج خود در قرون دوم و سوم هجری، هرچند کم و بیش به حیات خود ادامه داد، اما فاقد بالندگی و گسترش گذشته بود. با آغاز دوره صفوی و رسمیت مذهب تشیع در جغرافیای ایران و سپس تثبیت این رسمیت در دوره‌های بعدی مجدداً فرصتی فراهم شد تا این اندیشه به تدریج دوباره سربرآورد. در دوره قاجار این بازتولید را بیش از همه در آراء و اندیشه‌های شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶ - ۱۲۴۳ هـ) شاهدیم. احسائی یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در سده سیزدهم بود.^۱ افکار و اندیشه‌های او مناقشات و مجادلات زیادی برانگیخت. اما یک نکته مهم که سبب می‌شد مخالفت با آن، دشوار باشد، تمایلات غالیانه او نسبت به محبت اهل بیت و ساختن

^۱ - برای آگاهی از زندگی او بنگرید به احسائی، شیخ احمد، (بی‌تا)، «رساله در شرح حال»، مندرج در ابراهیمی، ابوالقاسم، فهرست کتب مشایخ عظام، کرمان، چاپخانه سعادت.

محمل‌های متعدد و متفاوت او در این باره بود. این افکار، تشیع را نه بر محور اسلام، بلکه بیش از هر چیز بر محور امامان مطرح می‌کرد و برای این کار تئوری‌های تازه‌ای که بانیان آن و در رأس آنها شیخ احمد، مدعی برآمدن آنها از روایات بودند، مطرح می‌شد. بالا بردن جایگاه امامان در تفکر شیعی، از هستی‌شناسی گرفته تا مسائل دیگر امری نبود که بشود به سادگی با آن مخالفت کرد؛ چرا که ممکن بود سبب شود تا شخص مخالف متهم به سنی‌زدگی یا به قول آنها ناصبی‌گری شود. بدین سان ایستادگی در مقابل غلو، کار آسانی نبود. شیخ احمد احسائی با استفاده از همین احساسات کارش را در بازگشت به روایات غالیان صدر اول که در میان کتب حدیث پراکنده بود، آغاز کرد. (جعفریان، ۱۳۹۸: ۱۰-۹)

این بحث‌ها از این زمان ادامه یافت و تا اوایل قرن چهاردهم هجری استمرار داشت. برای نمونه در دیوان محمدتقی نیر ممقانی شاهد گرایش غالیانه هستیم. ممقانی (۱۲۴۷-۱۳۱۲ق)، فقیه، محدث، مجتهد، حکیم، عالم و شاعر آذربایجانی، متخلص به نیر از پیروان شیخیه بود. در دیوان او این اشعار از آقامیرزا اسماعیل متخلص به نیاز در وصف امام علی آمده است:

| | |
|---|---|
| <p>چون وجه الله، امرالله، ظاهر در جهان خواهی علی خواهد، خدا خواهد، علی خواهد محرک نیست غیر از او، مسکن نیست غیر از وی وجودش لنگر ارض و سما وز یمن احسانش</p> | <p>به هر سو روی کنی آنجا جمال بوالحسن بینی خطا گفتم دوی نبود علی را گرچو من بینی یکی را زنده می‌دارد یکی را در کفن بینی جهان مرزوق و درگاهش پناه از اهرمن بینی (جعفریان، ۱۹۸: ۱۵)</p> |
|---|---|

همانگونه که مشاهده می‌شود در ابیات فوق تمایزی میان «خواست» و اراده خدا و «خواست» و اراده علی دیده نمی‌شود. همچنین مایه‌هایی از اندیشه «مفوضه» که از فرق غالی‌اند در این ابیات مشاهده می‌شود. در این زمینه یکی از آثاری که به فهم ظهور جریان غالی‌گری در سده سیزدهم و چهاردهم در نسبت با شیخیه کمک زیادی می‌کند، کتاب *روضات الجنات خوانساری* است. سیدمحمد باقر خوانساری (۱۲۲۶-۱۳۱۳ق) ادیب و مورخ و فقیه و محدث مشهور قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است. بحث مهم خوانساری درباره بازتولید جریان غالی صدر اسلام در دوره معاصر وی، ذیل شرح حال رضی الدین رجب بُرسی نویسنده کتاب *مشارق الانوار* آمده است. بررسی از دانشمندان اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری است. خوانساری می‌نویسد «برسی استوانه‌های غالیان را استوار کرد و آیین بدعت-گذاران را تازه نموده و از محور شریعت خارج شد و به پایه‌های غلوکنندگان بالا رفت و به محال غیر مشروع رسید و بزرگان دین را به اشتباه نسبت داد» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۶۱). به باور خوانساری، بررسی مروج این باور است که حبّ اهل بیت، سبب بخشودن همه گناهان می‌شود. او در پی آن است که مذهب را بر پایه تأویلات هوایی و فاسد و بی دلیل بنا کند، آن هم در حالی که گشودن باب تأویل، اول الحاد است (همان).

خوانساری از اینجا زمینه‌ای تاریخی از پیدایش جریان غلو در تاریخ تشیع به دست می‌دهد و آن را تا عصر ظهور شیخیه ادامه می‌دهد. او شیخیه را استمرار جریان غلو می‌داند و حتی آنان را «به درجات کورتر از غالی‌های» روزگار شیخ صدوق می‌داند. از نظر خوانساری «کم کم مکتب مزبور از طرف بیگانگان تقویت شد تا به ادعای بابت و نیابت خاصه از طرف حضرت حجه بن الحسن صاحب العصر و الزمان منجر شده و بالاخره بیچاره‌ای از همه جا مانده دم از تحدی زد و کتاب با کلمات زشت و ناهنجار و گفتار دروغی که به یکدیگر بافته بود به جای صحیفه قرآن انتشار داد...» (همان: ۶۲) گزارش روضات الجنات نشان از تحلیل جاری میان مجتهدین از بازتولید جریان غلو در قرن سیزدهم هجری دارد. در واقع او ریشه‌های شیخیه را در جریان غلو جستجو می‌کند و رشته آن را از صدر اسلام تا زمان خود ممتد و البته منحرفانه می‌دیده است.

در همین زمینه می‌توان به برخی اشعار غلوآمیز عمان سامانی^۲ در این دوره اشاره کرد که صراحتاً خود را «حسین اللهی» نامیده است:

| | |
|---|------------------------------|
| هست از هر مذهبی آگاهی‌ام | الله الله من حسین اللهی‌ام |
| بنده‌ی کس نیستم تا زنده‌ام | او خدای من، من او را بنده‌ام |
| نی شناسای نبی‌ام نی ولی | من حسینی می‌شناسم بن علی |
| (عمان سامانی، ۱۳۸۵: ۷۳؛ همان، ۱۳۷۸: ۲۹) | |
| سرخوش از صهبای آگاهی شدم | دیگر اینجا زینب اللهی شدم |
| (همان، ۱۳۷۸: ۵۲؛ انسانی، ۱۳۸۷: ۲۹۸) | |

در این ابیات هم شاعر به صراحت خود را حسین‌اللهی و زینب‌اللهی می‌داند و نیز خود را «بنده» حسین دانسته است. شعر مشهور وفایی شوشتری^۳ هم به وضوح بازتولید اندیشه‌های غالیانه را در سده سیزدهم بر محور غلو در شخصیت امام حسین (ع) را نشان می‌دهد:

| | |
|-------------------------------|----------------------------|
| باز دیوانه شدم زنجیر کو؟ | من حسین اللهم تکفیر کو؟ |
| کیست آن کو می‌کند تکفیر من | گو بیا که پاره شد زنجیر من |
| شاه را، گر من نمی دانم خدا | کافر گر، دانمش از حق جدا |
| من حسین را، می پرستم زانکه او | هست اوصافش همه اوصاف هو |
| جلوه گر شد چون به میدان بلا | شاه دین یعنی شهید کربلا |

^۲ - میرزا نورالله بن میرزا عبدالله بن عبدالوهاب چهارمحالی اصفهانی ملقب به «تاج الشعراء» و متخلص به «عمان» از شعرای پرآوازه آیینی در نیمه دوم سده ۱۳ و اوایل سده ۱۴ هجری است که در سال ۱۲۵۸هـ در سامان به دنیا آمد و در سال ۱۳۲۲هـ درگذشت

^۳ - آخوند ملافتح الله ملقب به وفایی شوشتری شاعر و صوفی سده سیزدهم هجری است (۱۲۰۸ - ۱۳۰۳هـ)

پرده افکند از رخ خود ذوالجلال سرّ «وجه الله» عیان کرد از جمال
 پرده افکن گشت از رخ پرده دار شد به میدان سرّ یزدان آشکار
 دست حق آمد برون از آستین جمله دیدند از یسار و از یمین
 مظهر حقّ من و حق با من است از وجودم شمع انجم روشن است
 (وفائی شوشتری، بی تا: ۱۲۳)

همان گونه که واضح است، در این اشعار با «خداپنداری» و الوهیت محض حسین (ع) و زینب (س) مواجهیم. این وضعیت به همین نحو رشد و گسترش روزافزونی داشت و در چند دهه اخیر با دگرگونی فضای مذهبی و اجتماعی زمینه ترویج بیشتر اندیشه‌های غلوآمیز، بیش از همه دوره‌های تاریخی فراهم آمد. اما این اندیشه از آنجا که از منظری رسمی امکان ترویج ندارد، عمدتاً رنگ و صبغه‌ای عامیانه به خود گرفت و در هیأت‌ها و مجالس مذهبی مردمی در قالب اشعار و مداحی‌ها به سرعت گسترش یافت. بررسی محتوای این اشعار و مداحی‌ها که عمدتاً در فضای وب قابل دسترسی است نشان می‌دهد بسیاری از مفاهیم غالبانه در سده‌های دوم و سوم، امروزه در قالب عبارات و اصطلاحات عامیانه در این اشعار بازتولید و به کار رفته است. با توجه به فضای هیأت‌ها و مجالس مذهبی بیشترین غلو در میان امامان شیعه، در شخصیت امام حسین و خاندانش صورت گرفته است. در اینجا به برخی از مفاهیم و مصادیق آنها اشاره می‌شود:

۲-۳-۱- غلو خداپنداری (الوهیت)

همانگونه که گفته شد یکی از بارزترین وجوه غلو، غلو خدا انگاشتن و الوهیت است. این گونه از غلو در چند دهه اخیر بویژه درباره شخصیت امام حسین (ع) و برخی یارانش صورت گرفته است. در ابیات زیر، میرزا عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله، شاعر عصر قاجاریه، بدون پرده‌پوشی و ابهام دیدگاه خداپندارانه خود نسبت امام حسین (ع) را بیان می‌کند:

ای سرو سرفراز ریاض رضای تو وی بر قضا رضا و رضا بر قضای حق
 مردانه در طریق حقایق زدی قدم افراشتی به کوی حقیقت لوای حق
 خلق ار شوند جمله حسین الهی سزاست چون از قیام توست پرستش برای حق
 (نویایی و کسری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۵)

در این بیت نیز شاعر ضمن اعتراف به کفرگویی، ولی همچنان بر خداپنداری خود اصرار دارد:

آنان که حسین را خدا می دانند کفرش به کنار، عجب خدایی دارند
 (کاظمی، ۱۳۹۰: ۵۳)

البته در موارد متعددی در بیت فوق «علی» جای «حسین» را گرفته و در اعیادی نظیر غدیر مکرر به عنوان پیام تبریک هم‌سانی شده است.

در این بیت شاعر با استفاده از واژگان سوره توحید به وضوح نگاه خداپندارانه خود را بیان کرده است:

توحید از نگاه نبی بر دو محور است: ایاک نعبد است علی، نستعین: حسین
(محمد زاده، ۱۳۹۳: ۶۷)

در این بیت نیز اگرچه امام (ع) صراحتاً خدا دانسته نشده، اما در یکی از لوازم خدایی یعنی آفریدگاری سهم دانسته شده است:

در خلقت ماسوی سهم است حسین در نزد خدا ذبح عظیم است حسین
(انسانی، ۱۳۸۷: ۳)

یا در ابیات زیر با نوع دیگری از اندیشه خداپنداری مواجهیم. گرچه حسین (ع) خدا دانسته نشده و شخصیتی متفاوت از خدا دارد، اما هستی خداوند منوط به هستی حسین دانسته شده است:

گفت فرمودت خداوند ودود گر نبودى تو خداوندی نبود
ای رموزآموز علم من لَدُنَّ وی تو مقصود و مراد، از امر کُن
ای حسین عشق و ای ایوب صبر احمد دین، حیدر کرار بدر
(انسانی، ۱۳۸۷: ۳۳۵)

در کنار غلو در شخصیت امام حسین (ع) برخی از اعضای خاندان و یاران او نیز متعلق غلو قرار گرفته‌اند. حضرت زینب، علی اکبر و قاسم در معرض بیشترین غلو در میان یاران امام حسین بوده‌اند. در ابیات زیر پرستش قاسم آشکارا بیان شده است:

مهد حسین، گاهواره حسن است این مولد زینب، خدای گونه زن است این
(سبزواری، ۱۳۶۷: ۳۷۹)

در جنب غلو «حسین‌اللهی» و به پیروی از آن، ظاهراً غلو «زینب‌اللهی» هم در حال ظهور است. در این دو بیت گرچه جعفر ابوالفتحی، خود را زینب‌اللهی نمی‌داند، اما به وجود چنین فرقه‌ای اشاره دارد:

زینب کبری خودش سرّ خداوند جلی است حامل سرّ خدا، خود رازدار زینب است
زینب‌اللهی نِیم اما مرید زینب زینب‌اللهی در این عالم خدای زینب است
(مردانی، ۱۳۷۷: ۶۳)

۲-۳-۲- غلو تفویض

غلو تفویض نیز از دیرباز، از بنیادهای اندیشه‌های غالیانه بوده است. مفوضه معتقد بودند پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) دارای قدرت فرابشری و تصرف در کائنات بودند. اینان پیامبر و امامان را خدا نمی‌دانستند اما بر این باور بودند که

خداوند کار جهان را از خلق و رزق و اختیار تشریح احکام به آنان تفویض کرده است. نتیجتاً آنان تمام کارهایی را که خدا باید انجام دهد، انجام می‌دهند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶۲) برای نمونه در اشعار زیر، گویی خداوند اختیار بخشش همه گناهان آدمیان را به امامان شیعه بویژه امام حسین (ع) تفویض کرده است. در این نوع نگاه عملاً حساب و کتاب بر مبنای اعمال آدمیان در کار نیست و آنچه بخشش یا عدم بخشش را تعیین می‌کند حبّ و بغض حسین (ع) است:

| | |
|---|---|
| <p>همه دیدیم چه آسان همه را بخشیدی جان آقای خراسان همه را بخشیدی مادری گفت حسین جان همه را بخشیدی (لطیفیان، ۱۳۹۴: ۶۱)</p> | <p>گفته بودند به ما سخت نمیگیری تو داشت کارم گره می‌خورد ولی تا گفتم بی سبب نیست شب جمعه شب رحمت شد</p> |
|---|---|

گاه نیز شاعر، غلو خویش را بسیار شیرین و بدیع می‌پندارد، در حالی که شأن معصوم (ع) را به درجه شخصی تقلیل می‌دهد که پایبند عهد نیست و باید از او قول و وثیقه گرفت که مبادا خلف وعده کند:

آن روز که نامه مرا می‌خواند
خود را نکشی کنار، ما را بپذیر
(غزل مرثیه، ۱۳۸۸: ۱۵)

۲-۳-۳- غلو اباحه

غلو اباحه یا غلو اباحه‌گری، غلو در مباح دانستن امور است به گونه‌ای که به منهیات نیز سرایت کند و غالی، خود را فارغ از تکالیف و قیودی بداند که شرع برای انسان‌ها تعیین کرده است. غالیان، معرفت و محبت به معصومان (ع) را تنها سبب رستگاری می‌دانند و هرکس دارای این معرفت و محبت باشد، آزاد است هرچه خواهد، کند (اشعری، ۱۹۶۳: ۳۹) مورد شخصت امام حسین نیز گاهی در اشعار و مرثیه‌ها به نوعی با غلو اباحه مواجهیم. غلو اباحه‌گری را می‌باید جدا از غلو در شفاعت که از سنخ غلو در صفات است، دانست. در غلو اباحه‌گری، شخص محب، آزاد از تکالیف است، اما در غلو شفاعت، تکلیف و مسئولیت محب، ثابت شده است. در ابیات زیر گرچه شاعر به صراحت به غلو اباحه اذعان ندارد و بیشتر غلو شفاعت را در نظر داشته، اما نتیجه باور به چنین اعتقادی، چیزی جز آزادی از تکالیف و حدود شرعی نخواهد بود. بدین معنی این‌گونه ابیات از مداح معاصر، حسین خلجی، واجد درجاتی از اباحه هستند:

| | |
|---|---|
| <p>هیچکی ناامید نباشه به حسین می‌بخشه خدا هرچی روسیاه و به حسین می‌بخشه بنده‌های بی‌پناه و به حسین می‌بخشه (خلجی، ۱۴۰۱)</p> | <p>خدا هر گناهی باشه به حسین می‌بخشه وعده دادن به وفا شه به حسین می‌بخشه من افتاده به چاه و به حسین می‌بخشه</p> |
|---|---|

همچنین این ابیات گویای این باور اباحه‌گرانه است که هر معصیت با گریه بر حسین (ع) پاک خواهد شد:

| | | | |
|------------------|------------------|------------------|------------------|
| ولش کن گریه کرده |
| ولش کن گریه کرده |
| ولش کن گریه کرده |
| ولش کن گریه کرده |

(مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۵۸۹)

۲-۳-۴- غلو در ذکر اسماء و صفات الهی برای ائمه و امام حسین (ع)

ذکر اسماء و صفات الهی برای بزرگان دین نیز همیشه هم در گذشته و در حال حاضر بخشی از اندیشه غالبان را تشکیل می‌داده است. در ابیات زیر که شاعر خطاب به امام حسین (ع) سروده، هرچند به غالبانه بودن اعتقادش اعتراف دارد، اما همچنان بر باور بدان پافشاری می‌کند:

| | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| گر ذات پاک حق، به صفات اندر آمدی غالی | می گفتمش که ذات وی، آثار ذات بود |
| اگر نخوانی و کافر ندائی‌ام | گویم که ذات او، همه عین صفات بود |

(طرب شیرازی، ۱۳۸۷: ۷۱، ۷۲)

ادیب بیضایی هم در بهاریه خود برای امام حسین (ع) هم غلو را در باره شخصیت امام حسین به کار گرفته است:

| | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| شاهی که ذات اوست بیرون ز کیف و کم | حادث ولی ز دیر همسایه قدم |
| والا تر از وجود، بالاتر از عدم | او را ملک رهی است او را فلک خدم |
| سلطان بی سپاه سرخیل عاشقان | معبود ما خَلَقْ مقصود کن فکان |

(مشجری و قنادزاده، ۱۳۵۰، ج ۱: ۹۷-۹۸)

۲-۳-۵- غلو در تشبیه

در غلو تشبیه، شاعر، ممدوح را شبیه یا بدل کسی یا چیزی دیگر می‌بیند به گونه‌ای که این تشبیه مبتنی بر زیاده‌روی و حتی گزافه‌گویی باشد. اندیشه غلو در ذات خود از سنخ تشبیه است و پیامبر (ص)، ائمه (ع) و وابستگانشان، شبیه چیزی یا کسی دیده می‌شوند که در واقع نیستند و این شباهت غیر واقعی، موجب گزافه‌گویی یا اصطلاحاً غلو شود. با این حال، این تشبیه، گاه در روساخت کلام نیز تجلی می‌یابد و موضوع سخن، صراحتاً شبیه کسی برتر و بالاتر از خود دیده می‌شود. امام حسین (ع) و به تبع وی وابستگانش نیز موضوع این گونه غلو تشبیه بوده‌اند. برای نمونه در شعر زیر که در رثای علی اکبر (ع) سروده شده است، به وضوح این اندیشه دیده می‌شود. در اینجا از نظر محمدرضا راضی، شباهت بیش از اندازه علی اکبر به پیامبر (ع)، خداوند را به اشتباه انداخته است:

لبت حدیث کسا را به اشتباه انداخت نگاهت آینه‌ها را به اشتباه انداخت
 حضور نافذ پیغمبرانه‌ای در دشت تمام کرب و بلا را به اشتباه انداخت
 خیال داشت برای تو وحی بفرستد شباهت تو خدا را به اشتباه انداخت
 (رسولی، ۱۴۰۱)

۲-۳-۶- غلو در رجا

یکی دیگر از انواع غلو که بیشتر حول شخصیت امام حسین (ع) شکل گرفته، غلو در رجا است. در بیت زیر این گونه از غلو آشکارا دیده می‌شود:

تو شوی مقتول و ما از گریه مرهون بهشت!
 خلد را بی قتل تو از دادگر می‌خواستم
 (رسول‌زاده، ۱۳۸۱: ۵۰)

۳- نتیجه‌گیری

اگر در گذشته اندیشه غلو در قالب بیان روایات و احادیث غالبانه و در قالب فرق مذهبی نمود می‌یافت در چند دهه اخیر به سبب عدم امکان ترویج رسمی، در قوالب و اشکال عامیانه و در صورت اشعار آیینی، مداحی و مرثی‌های مذهبی و عمدتاً بر محور شخصیت امام حسین (ع) و منسوبان ایشان بروز یافته است. این اشعار در بسیاری موارد فاقد ارزش ادبی هستند اما بیان‌گر همان مفاهیم و مصادیق کهن غالبانه‌اند که در عصر حضور امامان شیعه رواج داشت. برای نمونه تقریباً همه فرق غالی در گذشته در خداپنداری ائمه (الوهیت)، تفویض خلق و رزق و اختیارات کائنات به آنان، تفویض اختیار بخشش گناه‌کاران به امامان شیعه بویژه حسین (ع)، و نیز نسبت دادن اسماء و صفات الهی به آنان اشتراک دارند. در بازتولید اندیشه‌های غالبانه در تشیع معاصر نیز می‌بینیم دقیقاً همین مفاهیم غالبانه در قالب اشعار عامیانه بیان می‌شود. این اشعار غالبانه توسط شاعران کمتر برجسته و گمنام که در بسیاری مواقع سروده‌هایشان هم چندان قوی و پرمایه نیست، سروده شده‌اند. از آنجا که مخاطب این اشعار طبقات عامه جامعه است، صورتی کاملاً عامیانه به خود می‌گیرند. به همین دلیل عمدتاً در فضاهای غیررسمی مثل وبلاگ‌های اینترنتی و صفحات و شبکه‌های مجازی منتشر و هم‌رسانی می‌شوند. در نهایت اینکه به نظر می‌رسد هم سراینندگان این اشعار و هم مخاطبانشان معمولاً از محتوای آنچه می‌گویند و می‌شوند اطلاع دقیقی ندارند و هم آفرینش این اشعار و هم تبادل و استماعشان، بیش از آنکه همراه با آگاهی باشد، متأثر از شور و علاقه و ارادت باشد.

منابع

- ابن ابی‌الدنیا، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۸). «مقتل امیرالمؤمنین». مجله تراثنا. شماره ۱۲. صص ۱۳۳-۷۹.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۹۸۸/۱۴۰۸). *لسان العرب*. تحقیق علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- احسائی، شیخ احمد. (بی تا). رساله در شرح حال. کرمان: چاپخانه سعادت.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۷۱). تاریخ عقاید و مذاهب شیعه (المقالات و الفرق). ترجمه یوسف فضایی. به تصحیح محمدجواد مشکور. تهران: انتشارات عطایی.
- اشعری، سعد بن عبدالله. (۱۹۶۳). المقالات و الفرق. تهران: عطایی.
- انسانی، علی. (۱۳۷۸). چراغ صاعقه (مرثیه از مدینه تا مدینه). با مقدمه موسوی گرمارودی. تهران: جمهوری.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۸). «بازگشت غلو به تفکر شیعی در قرن سیزدهم به ضمیمه دو رساله از دو عالم قره باغی و مغانی». نشریه مقالات و رسالات تاریخی. شماره ۸. صص ۹-۴۲.
- خلجی، حسین. (۱۴۰۱). (خدا هر گناهی باشه به حسین می بخشه». آپارات. <https://www.aparat.com>
- خوانساری، سیدمحمدباقر. (۱۳۶۰). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- رازی، ابوحاتم. (۱۳۹۶). گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری. ترجمه علی آقانوری. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- رسولزاده (آشفته)، جعفر. (۱۳۸۱). روضه‌ها و گریه‌ها: اشعار عاشورایی به ضمیمه برگزیده هفتاد و دو مجلس از کتاب روضه الشهداء آیت الله ملاحیبب شریف کاشانی. کاشان: مرسل.
- رسولی، محمد. (۱۴۰۱). «لبت حدیث کسا را به اشتباه انداخت». نوحه. <https://navaapp.com/>
- سبزواری، حمید. (۱۳۶۷). سرود درد. تهران: کیهان.
- شجری، رضا و عربشاهی کاشی، الهام. (۱۴۰۱). «رد پای غلو در شعر آیینی شاعران فارسی سرا». پژوهش‌های ادبی. سال ۱۸. شماره ۷۶. صص ۸۹-۱۱۶.
- شهرستانی، ابوالفتح. (۱۳۶۱). توضیح الملل در ترجمه الملل و النحل. به کوشش سیدمحمدرضا جلالی نایینی. تهران: انتشارات اقبال.
- صادقی، مهدی. (۱۴۰۳). «واکاوی آسیب‌ها و محدودیت‌های اشعار عاشورایی حسینی در بستر جامعه و ادبیات». معارف حسینی. دوره ۹. شماره ۳۳. صص ۴۵-۶۶.

- صادقیان تالشی، سیدمحمد. (۱۴۰۱). «خطرات تهدیدکننده اولین ضرورت از ضروریات پنجگانه مقاصد شریعت. حفظ دین؛ با تاکید بر شناخت غلو و راهکارهای درمان آن در سطوح مختلف اجتماعی». *حبل المتین*. شماره ۴۰ و ۴۱. صص ۱۳۳-۱۶۶.
- صفری فروشانی، نعمت الله. (۱۳۷۸). *غالیان: کاوشی در جریان ها و برآیندها*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۶۳). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- علامه، محمد. (۱۳۴۷ش/۱۳۸۸ق). *هدیه مور (دیوان محمد علامه. مداح اهل بیت)*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- علامه، محمد. (۱۳۸۱). *خاطرات ۶۰ سال خدمت‌گزاری در آستان اهل بیت علیهم السلام*. تهران: نشر آفاق.
- عمان سامانی، نورالله بن عبدالله. (۱۳۷۸). *دیوان عمان سامانی*. به اهتمام مهدی آصفی. تهران: جمهوری.
- عمان سامانی، نورالله؛ طهماسبقلی وحدت کرمانشاهی و مهدی آصفی. (۱۳۸۵). *دیوان عمان سامانی: گنجینه الاسرار، دیوان وحدت کرمانشاهی، سفینه آصفی*. تهران: جمهوری.
- غزل مرثیه (گزیده غزل‌های عاشورایی شاعران جوان). (۱۳۸۸). تهران: آرام دل.
- کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۹۰). *قصه سنگ و خشت*. چاپ ششم تهران: کتاب نیستان.
- کمره‌ای، میرزا خلیل. (بی‌تا). *کتاب آراء ائمه الشیعه الامامیه علیه السلام فی الغلاه*. تهران: چاپخانه حیدری.
- لطیفیان، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). *داریم با حسین حسین پیر می‌شویم*. چاپ اول. تهران: جمهوری.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۹۸۳/۱۴۰۳م). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدزاده، مرضیه. (۱۳۹۳). *طرحی نو در دانشنامه شعر عاشورایی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف و امور خیریه.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین. (۱۳۸۶). *مکتب در فرایند تکامل*. ترجمه هاشم ایزدپناه. تهران: کویر.
- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۷). *شعر اربعین*. چاپ اول. تهران: نشر شاهد.
- مشجری، احمد. قنادزاده کاشانی. احمد. (۱۳۵۰). *نغمه‌های کاشان*. قم: چاپخانه پیروز.

- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۳). مقدمه بر فرق الشیعه نوبختی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). مجموعه آثار (ج ۱۷، بخش ۲: یادداشت‌های فصل ۵). تهران: صدرا.
- موسو، سیدمحمد مهدی. (۱۴۰۲). «آسیب‌شناسی غلوپژوهی در اندیشه سلفی‌گری ایرانی». فصلنامه تحقیقات کلامی. سال ۱۱. شماره پیاپی ۴۱. صص ۷۱-۹۱.
- وفائی شوشتری، فتح الله بن حسن. (بی‌تا). دیوان ملا فتح الله وفائی شوشتری. بی‌جا: بی‌نا.
- نوایی، عبدالحسین؛ کسری، نیلوفر. (۱۳۸۲). اسناد میرزا عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله. چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نوبختی، ابوموسی. (۱۳۵۳). فرق الشیعه. ترجمه محمدجواد مشکور. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

Reflection of the idea of exaggeration about Imam Hussein (AS) and his family in contemporary Persian ritual poetry

Abstract

Exaggeration and exaggeration as one of the trends in the history of Shiite thought have left important impacts. Exaggeration, of course, has existed in all monotheistic religions and all Islamic sects, and although the exaggerators are known in the form of different sects and by various names, they all usually share the core of their beliefs. By attributing divine attributes and names to their religious leaders, they have sometimes even elevated them to the status of divinity and have placed the responsibility of creation, sustenance, and control over the universe on their shoulders. The idea of exaggeration reached its peak of growth and development in the second and third centuries of the Hijri calendar, and after that, without disappearing, it more or less went to the margins, but from the thirteenth century of the Hijri calendar, with the emergence of the Sheikhiya, the grounds were again provided for this idea to be reproduced and manifested in the public arena. With this description, the following article, emphasizing the exaggeration in the personality of Hussein ibn Ali (AS) and his family, seeks to answer the main question of how exaggeration was reproduced in contemporary history, especially in the last few decades, and in what areas it has mainly manifested itself. Based on the findings of the research, in the last few decades, while exaggeration has been expanding, because it is not possible to promote it from an official perspective, it has mainly taken on a folk color and nature and has been manifested in religious assemblies and gatherings in the form of ritual poems and eulogies.

Keywords: Exaggeration, ritual poetry, divinity, delegation, Imam Hussein (AS)

زودیند (غیر قابل استناد)